

کتیبه‌های اشکانی، سفالها، سکه‌ها و مهرهایی که نوشته دارند معرفی شده‌اند. اشاره‌ای نیز به داستان ویس و رامین که اصل آن به زبان پارسی بوده است شده است، اما به کتابهایی که به نوشته حمزه اصفهانی و مولف مجمل التواریخ والقصص در دوره اشکانیان نوشته شده بوده نشده است. به نوشته این مولفان در این دوره ۷۰ کتاب نوشته شده بوده که این دو مولف نام چند عدد از آنها را ذکر کرده‌اند.

بخش بعد «کتیبه‌های دوره ساسانی» نام دارد و از ص ۸۳ تا ۱۱۰ کتاب به آن اختصاص یافته است. در این بخش کتیبه‌های پادشاهان ساسانی، کتیبه‌های کرتیر موبد اوایل دوره ساسانی و کتیبه‌های خصوصی، کتیبه‌های سنگ مزارها، نوشته‌های روی پایروس و پوست و سفال و فلز، مهرها و سکه‌ها معرفی شده‌اند و منابع تحقیق درباره آنها نشان داده شده است.

بخش بعد که ادبیات پهلوی نام دارد مهمترین بخش کتاب است که از ص ۱۱۳ تا ۳۳۰ و کلاً ۲۱۸ ص به آن اختصاص داده شده است و در حقیقت زمینه اصلی تخصص مولف است. در این فصل ابتدا سه کلمه اوستا، زند و پازند توضیح داده شده‌اند و متونی که شکل پازند آنها (آوانویسی آنها به خط اوستایی) موجود است معرفی شده‌اند. سپس از ترجمه بخش‌های اوستا به پهلوی و از کتابهایی که بر اساس متون زند (ترجمه و تفسیر اوستا به پهلوی) تألیف شده‌اند، مانند دینکرد، بُندَه‌هشن، کزیده‌های زاداسپر، نامه‌های منوچهر، دادستان دینی، روایات پهلوی و غیره بحث شده و آخرین اطلاعات و تحقیقات درباره آنها به دست داده شده است. در دنباله این متون از متون فلسفی - کلامی، مانند شکندگمانیک و زار (گزارش گمان شکن) و گجستک ابایش و غیره گفتگو شده و پس از آن به متون مکاشفای، مانند ارداویرافنامه (ارداویرازنامه)، زند

در دانشگاه تهران با توجه به این نکته تصمیم به تألیف این کتاب گرفت تا پژوهندگان و دانشجویان زبانهای ایرانی را از مراجعه به منابع متعدد دیگر بی‌نیاز کند. این کتاب اثری جامع در باب کلیه نوشته‌های ایرانی قبل از اسلام است، اما بدنه اصلی کتاب مربوط به نوشته‌های پهلوی است و بخشهای دیگر کتاب در مقایسه با آن مختصر و در حد یک فهرست توصیفی است. در بخش نوشته‌های پهلوی چنانکه خواهیم دید نه تنها درباره کتابها و نوشته‌های موجود فارسی میانه بحث شده بلکه از نوشته‌ها و کتابهایی که به عربی و فارسی ترجمه شده و اصل آنها از میان رفته است، مانند کلیله و دمنه و سندیادنامه و جز آنها نیز بحث شده است.

این کتاب شامل یک مقدمه بسیار کوتاه در خصوص ادوار زبانهای ایرانی است و پس از آن سه فصل جداگانه درباره ادبیات مادی (ص ۱۹-۱۷)، ادبیات فارسی باستان (ص ۳۱-۲۳) و ادبیات اوستایی (ص ۲۲-۳۵) آمده که همه به دوره باستانی تاریخ ایران تعلق دارند. در بخش ادبیات مادی به اختصار به داستانهایی که در دوره مادها رواج داشته و مورخان یونانی در نوشته‌های خود به آنها اشاره کرده‌اند اشاره شده است. این داستانها همه شفاهی بوده‌اند. در بخش ادبیات فارسی باستان کتیبه‌های فارسی باستان معرفی و به مضامین مهمترین آنها اشاره شده است. در این بخش از بعضی داستانهای شفاهی که در عهد هخامنشی رایج بوده و نویسندگان یونانی آنها را نقل کرده‌اند نام برده شده است. در بخش ادبیات اوستایی از اوستا و بخشهای آن و از سرگذشت این کتاب دینی و نقل آن به خط اوستایی - آنچه‌آنکه امروز در دست است - سخن رفته است.

بخش بعد مربوط به ادبیات دوره اشکانی است که کلاً حدود ۵ صفحه را دربر گرفته است. در اینجا معدود

این کتاب شامل فهرست توصیفی مجموعه نوشته‌هایی است که در ادوار قبل از اسلام به یکی از زبانهای ایرانی نوشته شده است. کلمه ادبیات در اینجا در برابر کلمه Literature در انگلیسی (و معادل آن در سایر زبانهای اروپایی) به کار رفته است. در بیشتر زبانهای اروپایی این کلمه دارای دو معنی است، یکی ادبیات در معنی نوشته‌های هنری از قبیل شعر و رمان و نمایشنامه و غیره که در زبان عربی به آن «ادب» گفته می‌شود. دیگر به معنی مجموعه نوشته‌های مربوط به یک موضوع خاص. در عنوان این کتاب همین معنی مراد است و شاید بهتر بود کلمه «نوشته‌ها» برای آن انتخاب می‌شد، چون قسمت اعظم نوشته‌هایی که در این کتاب معرفی شده‌اند از مقوله نوشته‌های ادبی نیستند. تا قبل از انتشار این کتاب اثر جامعی که همه نوشته‌های ایرانی قبل از اسلام در آن معرفی شده باشد وجود نداشت و کتاب جهانگیر تاوادیا دانشمند زردشتی هندی به زبان آلمانی که با عنوان زبان و ادبیات پهلوی به فارسی نیز ترجمه شده است تنها درباره تعدادی از متن‌های پهلوی بحث کرده است. مقالات مختلف ایران‌شناسان غربی مانند مقاله وست با عنوان «ادبیات پهلوی» در اساس فقه اللغة ایرانی، ج ۲ و مقالاتی که در بخش ایران‌شناسی مجموعه Handbuch der Orientalistik و تاریخ ایران کمبریج، ج ۳ و در دائرة المعارف ایرانیکا نوشته شده‌اند همه در حد خود بسیار خوب و عالمانه‌اند، اما عیب آنها این است که جدا جدا و در کتب مختلف نوشته شده‌اند و دسترسی به آنها برای خواننده فارسی زبان دشوار است. زنده یاد دکتر احمد تفضلی استاد دانشمند زبانهای ایرانی میانه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



دکتر احمد تفضلی

تهران، سخن ۱۳۷۶

۴۵۲ ص

کتاب سال ۱۳۷۷

تاریخ ادبیات
ایران پیش از اسلام

اسرار سنایی

گزیده حقیقه الحقیقه

انتخاب و شرح از:

دکتر محمدرضا راشدمحصل

چاپ اول: ۱۳۷۷

نشر جامی

در یک نگاه

سنایی اول شاعری است که افکار صوفیانه و گفتار مشایخ متقدم را با شعر در آمیخته و سخنان بلند و معانی دلپسند را در لباسی موزون جلوه داده است. این ابتکار اوست و قدم مهمی است که در نزدیک کردن و بهره‌گیری از شعر و شعور در تکامل انسانها برداشته است. شعر او بویژه در حدیقه و بسیاری از قصاید پر از معارف و حقایق عرفانی و حکمی است و اندیشه‌های زاهدانه و عطا و ترک و تمثیلات تعلیمی و غیر آنها را ارج می‌نهد و توصیه می‌کند. در این شیوه مبتکر است و از کسی پیروی نکرده، اما در بخش‌هایی که به ستایش افراد مختلف از حاکمان، فقیهان، شاعران و... تعلق دارد متأثر از پیشینیان است.

افکار سنایی و شیوه کار او در ادب فارسی تأثیر زیاد کرده است. تحولی که او پدید آورد، افکار صوفیانه را با معانی عالی اخلاقی و اندیشه‌های دینی در هم آمیخت و در قالب شعر به بهترین عبارت‌ها به نظم آورد. از سوی بزرگانی چون عطار، مولانا، در شکل وسیع و شاعرانی چون خاقانی و نظامی از جهت فرم و مضمون پیروی شد و موجب گشت تا مراتب سلوک و دقایق عرفان را با سوز و گداز عشق، و شور و جذبه عاشقانه در شعر درآمیزند و با تمثیل‌ها و افسانه‌های شیرین دلشین‌تر کنند و بر خیل دلباختگان و شور و جذبه عاشقان بیفزایند، فضل تقدم در این شیوه از آن سنایی است و بدین سبب است که مولانا می‌گوید: هر که سخنان عطار را به جد بخواند، اسرار سنایی را فهم کند و هر که سخنان سنایی را با اعتقاد مطالعه نماید، کلام ما را درک کند و از آن برخوردار شود.

استاد محمدتقی مدرس رضوی و دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی در شناساندن سنایی و تحقیق و تحلیل آثار وی سهم فراوانی دارند که با تصحیح آثار و تحلیل اندیشه‌های این شاعر بزرگ توانستند دروازه‌های آهنین شعر سنایی را بگشایند و علاقه‌مندان به شعر عرفانی را با دنیای سنایی آشنا سازند.

به تازگی گزیده‌ای از حدیقه الحقیقه حکیم سنایی غزنوی به انتخاب و شرح دکتر محمدرضا راشد محصل انتشار یافته است که برای دانشجویان و علاقه‌مندان به حدیقه بسیار مفید است. دکتر راشد محصل این مختصر را نه گزیده خوانده است و نه شرح، بلکه طرحی کوتاه در چند فصل نامیده که شاید بتواند دریچه‌ای بر بستان سرسبز و پرشکوفه افکار و اعتقادات سنایی بگشاید و روش ابتکاری او را در بیان مسائل حکمی و اندرزی در قالب شعر صوفیانه - تا حدی - نشان دهد که در این امر موفق بوده است.

(تنگلوشا) و فرهنگها، یعنی فرهنگ پهلوگی و فرهنگ اویم - ایوگ گفتگو شده و پس از آن ۶ صفحه به نسخه‌های خطی کتابهای پهلوگی تخصیص یافته است.

ادبیات مانوی موضوع فصل بعد است که در آن از کتابهای مانی و پیروان او به اختصار بحث شده است. اشعار مانوی نیز موضوع بحثی در پایان این بخش است. ادبیات (نوشته‌های) زبانهای ایرانی میانه شرقی، یعنی سغدی، سکایی، خوارزمی، بلخی نیز با کمال اختصار در ۱۱ صفحه بعد معرفی شده است.

در پایان کتابنامه کتاب در دو بخش، منابع فارسی و عربی و منابع اروپائی در ۴۵ ص آمده که بسیار غنی است و به دنبال آن فهرست اعلام (شامل نامهای اشخاص، نامهای جغرافیائی و اسامی کتابها) به چاپ رسیده است.

این کتاب یکی از معدود کتابهایی است که با شیوه علمی و به شکل سنجیده به فارسی تالیف شده است. مولف دانشمند آن در جریان آخرین تحقیقات مربوط به موضوع قرار داشته و نتایج آنها را در کتاب نقل کرده است. اطلاع از مقالات ایران‌شناسان غربی که در مجلات مختلف و مجموعه‌ها و یادنامه‌ها و جشن‌نامه‌های منتشر شده در نقاط مختلف دنیا به چاپ رسیده برای کسی میسر است که کاملاً مراقب چاپ این آثار باشد و با مؤلفان آنها و استادان این رشته تماس مداوم داشته باشد، ویژگی‌ای که در شادروان تفضلی جمع بود که علم را با عشق به کار خود و ایران‌دوستی توأم دارا بود و حسن سلوک را بر آنها افزوده بود. چاپ این کتاب بی نظیر را باید به کلیه پژوهندگان و دانشجویان رشته زبانهای ایرانی تبریک گفت. از ناشر خوش فکر و با سلیقه کتاب که آن را به صورت بسیار آراسته عرضه کرده است نیز باید سپاسگزاری کرد. □

بهمن یسن، جاماسب‌نامه، یادگار جاماسپی پرداخته شده است. متون اخلاقی و اندرزنامه‌ها (وصیت‌نامه‌ها) در همین فصل در صفحات ۲۰۱-۱۸۰ مورد بحث قرار گرفته‌اند. صفحات ۲۱۳-۲۰۲ به اندرزنامه‌هایی اختصاص یافته که اصل پهلوگی آنها موجود نیست، ولی در کتابهای اسلامی از آنها نقل شده یا ترجمه عربی و فارسی آنها در دست است، مانند جاویدان خرد و اندرزهای مزدک. رسالات مربوط به کشورداری یعنی عهد و وصایا، مانند عهد اردشیر، عهد انوشیروان، کارنامه انوشیروان، نامه‌های اردشیر (نامه تنسر) و غیره در صفحات ۲۳۷-۲۱۴ مورد بحث قرار گرفته‌اند. خطابه‌هایی که هنگام جلوس بر تخت خوانده می‌شده و توقیعات پادشاهان ساسانی (کلمات قصار) و آئین‌نامه‌ها و تاج‌نامه در دنباله همین مبحث (ص ۲۵۰-۲۳۸) معرفی و بررسی شده‌اند.

چیستان، مناظره و مفاخره عنوان دو فصل بعدی است. در فصل اخیر، کتاب درخت اسوری توصیف شده است. پس از آن از رساله‌های شهرستانهای ایران، یادگار زریران و خدای نامه و داستان شروین دشتی بحث به میان آمده است. متون فقهی و حقوقی در فصل بعد معرفی شده‌اند. شایسته نشایست، روایات امید آشوهستان و سایر کتب روایات، مادیان (مادیگان) هزارادستان و غیره از زمره این کتابها هستند. رسالات کوچک تعلیمی، مانند خسرو و ریدک (غلام) و گزارش شطرنج و آئین نامه نویسی نیز در ص ۲۹۵-۲۸۹ معرفی شده‌اند. فصل بعد (ص ۳۰۷-۲۹۶) مربوط به داستانهای منثور است که در آن از هزار افسان (اصل الفالیله و لیله) و سندبادنامه و بلوهر و بوداسف و کلیله و دمنه و طوطی‌نامه و اسکندرنامه بحث شده است. هفت صفحه بعد به شعر پهلوگی اختصاص یافته، آنگاه از کتابهای علمی، مانند زیج شهریاران، وزیدگ، تنگلوش

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات
پرتال جامع علوم انسانی

کتاب ماه ادبیات و فلسفه / بهمن ۱۳۷۷

دکتر علی اشرف صادقی

ات
ز اسلام